



پیشنهاد دستگیر می‌شند تا رضایت مردم
جلب شود و اوضاع آرام گردد و در آمash بتوان
چهره لیبرال فرج را جاشین چهره خشن و
دیکتاتور پیشنهاد دربار ساخت و خسته با این
اقدام نشان داد که قصد بر میازه با فساد است
و اشخاص فاسد در هر مقامی که باشند در
عرض تعریضند. بر همین اساس بود که هویدا،
نیکی، مهندس روحانی، دکتر شیخ‌الاسلام،
دکتر لیلان، دارویش همایون، ارشید استاد
گروهی دیگر دستگیر شدند و به چه هویدا که
ظاهر اقطور که شنیدنیم به توصیه و اصرار
اردشیر زاهدی دستگیر شد، سایرین را تهاهی
توصیه فرج و بر اساس نظرات یاران او دستگیر
کردند.

روایت و تحلیل همایون از آنچه بر او رفته است

دارویش همایون پس از دستگیری در خاطر اش
چنین نویسد:

«دوستانمان می‌گفتند و در روزنامه‌ها
می‌نوشتند که اینها اعدام کنید و در دولت
می‌رفند و به اینها می‌گفتند. شاه یک بار سلیمان
شده بود منتها جفیف ویز برادر دستگیر رفته بود
و گفته بود اخ دلیلی برای محاکمه و اعدام
اینها نیست. در مجلس اشادتم مواد قانون
دادرسی که اینها کفای را پس و پیش می‌گفتند که
یک چیزی پیدا کنند، و مارابه جرم قیام بر
ضد مند مخالفان را داشت و از سوی دیگر همان
کنند. هر حال اینها مسلمان در آمد اثر خوبی
نمی‌پوشند. اما تصویری کنم مهم تراز این، آن
دانشجویان را خود از اراضی خانه و بیمار
یک چیزی خواهد بود که این چیزی که انگلکی هایه
آن سی گویند.» *Disappointment* آن
خلاف انتظار و آن یکمای بود که نه من، بلکه
خیلی از ماحا خودریم، که آخر ما جزو یک
رژیمیم، نوی پک تیم هستیم، چطور ممکن
است ما که زندگی مان را گذاشته‌ایم سیم
کرد هم‌ایم، دادرسی از دستگیری را بخواهیم
پویم، حقیقت اوره سیمه بینه کردن بود، من
هر روز در معرض بودم هر روز با روزنامه‌گزاران
ایرانی و خارجی صحبت می‌کردم، توضیح
فرمادناری ظاهری تهران را تحویل دادم و
موج تازه‌ای در دستگیری را همراهیم. همان
شب به دستور دستگیر شاهزاده‌ای، با استفاده
از ماده ۵ قانون فرمانداری نظامی شماری از
رجال کشواری و لشکری بازداشت شدند. در
لیست دستگیر شاهزادگان مقامات گوناگونی اعم
از نخست وزیر، وزیر، معافون وزیر، استاندار،
شهردار، مدیر سازمان و نشست و... دیده
شده‌اند. دارویش همایون پس از ۷۱ روز که
می‌شوند، داشتند از خبر این اتفاق بخواهیم
ایرانی از خبر اوت و زیر و من نخواهیم این
دستگیر شاهزادگان بود.

تضمیمات شب گذشته هیئت دولت و در حالی
که نیروهای نظامی با تانکها و زرهی‌های
خود خیابان‌های پر کرده بودند، به سوی میدان
وال حرکت کردند. در این میدان نظامیان به
روی مردم آتش گشیدند و تعداد زیادی را به
خاک و خون کشیدند. بدین ترتیب جمعه سیاه،
خوبین ترین روز انقلاب پدید آمد.

آغاز قربانی کردن باران دبور

همان گونه که اشاره شد پس از شهرپور،

به سوی داداشجیوان را پیش کرد. افزایش

بهران در حاکمیت پهلوی سبب شد تا در

نیمه آبان ماه ۱۳۵۷ وزیر خودت و زیری در ۱۳ آبان

سقوط کند و روز بعد ۱۵ آبان ماه به دستور

محمد رضا پهلوی یک دلت نظامی به ریاست

ارتشید غلام‌الهزار ۶۰ ساله که رئیس

سجاد بزرگ از تشریفات بود، در آن آن قرار

گیرید. در این زمان شاه سوسی و فراخوان و به

مردم همراه شد و بدرگاه را بازداشت شد و پس از آبان

در خانه خویش بازداشت شد و پس از آبان

از آن مأموران فرمانداری نظامی

تهران وی را تحویل زندان دزبان

مرکز، واقع در پادگان جمشیدیه به

دادند. بی‌شک همایون آن شب

به یادماندنی راهگز فراموش نکرد؛

شامگاهی که در تمامی لحظات آن

دیدگان همایون پلک نزد و تا صبح به

انگیزه دستگیری خود و همقطار انش

و عاقبت رُبیمی می‌اندیشید که برای

پایندگی اش از هیچ کوششی در بیغ

نورزیده بود.

دارویش همایون نیمه شب ۱۵ آبان

در خانه خویش بازداشت شد و پس از آبان

در

از آن مأموران فرمانداری

تهران

وی را تحویل

سجاد

بزرگ از

دزبان

مرکز

با

دستور

دستگیر شاهزاده‌ای، با استفاده

از ماده ۵

قانون

فرمانداری

تهران

وی را بازداشت شدند. بی‌شک همایون آن شب

بدرگاه

جمشیدیه

بزرگ

بزرگ